Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

درس چهل و يكم - كمك آسماني

اين دو خبرنگار راديو "د" تنها با تحقيقات نمي توانند كاري از پيش ببرند. در همين لحظه به صورت غافلگيرانه اي اويلاليا از ينا سر در مي آورد. شايد او بتواند باري از دوش پاولا و فيليپ بر دارد.

Optikwerk ارتفاع خيلي زيادي دارد و فيليپ و پاولا نمي توانند وارد آن شوند. در اين جاست كه اويلاليا به درد كار آنها مي خورد. او بايد از آن بالا ساختمان را زير نظر بگيرد و بفهمد كه لابراتوار اين اداره كجاست. اويلالياي باهوش كشف جالبي مي كند. اما بعد اتفاق پيش بيني نشده اي رخ مي دهد.

با اين همه اضطراب و نا آرامي آقاي پروفسور هم حسابي گيج شده است. به همين دليل در اين قسمت فعل انعكاسي **konzentrieren** (به معني تمركز كردن) را بررسي مي كند. در اينجا فرصت خوبي پيش آمده است كه نگاه دقيق تري به ضماير انعكاسي هم بيندازيد.

Manuskript der Folge 41

مجری:
شنوندگان گرامی، درود بر شما. شما را به شنیدن چهل و یکمین بخش از سری برنامه آموزش زبان آلمانی *رادیو D* دعوت می‌کنم. فیلیپ و پاولا حدس می‌زنند که موضوع ترور لیزری در شهر ینا می‌بایست به شکلی در ارتباط با مجتمع صنعتی عدسی‌سازی باشد. اما مسوولان کارخانه تمایلی به دادن اطلاعات ندارد و از این رو فیلیپ و پاولا بدان امید بسته‌اند که با کمک اویلالیا اطلاعات بیشتری کسب کنند.
فیلیپ و پاولا کماکان کنار کارخانه عدسی‌سازی ایستاده‌اند. هوا تاریک شده است.
اینک گوش کنید به ماموریتی که آنان برای اویلالیا در نظر گرفته‌اند و این که اویلالیا می‌بایست در جستجوی چه چیزی باشد و چه کاری انجام دهد.

Szene 1: Vor dem Optikwerk

Paula
Ich freue mich, dass du hier bist, Eulalia.

Philipp
Wir haben uns nämlich geärgert, weil wir nichts Neues über den Laserterror erfahren haben.

Eulalia
Ich weiß.

Paula
Bist du etwa schon lange hier?

Eulalia
Och – erst ganz kurz.

Paula
Eulalia, du musst dich jetzt konzentrieren.
Pass mal genau auf: du fliegst jetzt um das Optikwerk herum.

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Philipp
Schau doch mal, ob du irgendwo ein Labor siehst.

Eulalia
Und wie erkenne ich das?

Philipp
Eulalia, du musst dich beeilen.
Schau, ob irgendwo eine Person ganz allein ist und heimlich experimentiert.

Paula
Und du merkst dir genau, wo das ist. Okay?

Eulalia
Ja! Mach ich.
Eulalia fliegt weg

مجری:
اویلالیا باید دور مجتمع صنعتی عدسی‌سازی پرواز کند.

Paula
Du fliegst jetzt um das Optikwerk herum.

مجری:
و به هنگام پرواز باید دقت کرده ببیند که **آزمایشگاه** این مجتمع صنعتی کجا واقع شده است.

Philipp
Schau doch mal, ob du irgendwo ein Labor siehst.

مجری:
پاولا و فیلیپ حدس می‌زنند که پرتوهای لیزری از این مجتمع صنعتی می‌آیند و ایجاد چنین پرتوهایی تنها در یک آزمایشگاه ممکن است. آنها بسیار مایل به دانستن این موضوع هستند که این آزمایشگاه کجا واقع شده است. از این رو اویلالیا باید به هنگام پرواز مراقب باشد و ببیند که آیا کسی در تنهایی و به گونه‌ای پنهانی مشغول انجام کاری است.

Philipp
Schau, ob irgendwo eine Person ganz allein ist und heimlich experimentiert.

مجری:
اویلالیا با این توصیه پاولا که به او گفته بود دقت کن ببین هر چیز را دقیقا **کجا** دیده‌ای، پرواز می‌کند.

Paula
Und du merkst dir genau, wo das ist. Okay?

مجری:
و از دست فیلیپ و پاولا نیز کار دیگری ساخته نیست، مگر انتظار کشیدن. آنها در تاریکی ایستاده‌اند، هوا سرد است و بارش باران نیز شروع شده است.
به این صحنه گوش کنید و به لحن فیلیپ و پاولا توجه کنید: فیلیپ در برابر این وضعیت از خود چه واکنشی نشان می‌دهد و واکنش پاولا چیست؟

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Szene 2: Vor dem Optikwerk

Philipp
Auch das noch!

Wo bleibt denn Eulalia?
Es ist ja schon ganz dunkel.

Paula
Macht doch nichts. Eulalia kann trotzdem noch alles sehen.

Philipp
Und? Hast du etwas gesehen?

Eulalia
Ja.
Nein.

Paula
Eulalia, was denn nun?

Eulalia
Also, da oben, im 7. Stock, da war noch ein bisschen Licht.

Philipp
Was ist das denn – "ein bisschen Licht“?

Eulalia
Irgendwie geheimnisvoll, ganz wenig Licht.

Paula
Eulalia, was hast du gesehen?

Eulalia
Einen Menschen. Der sah sehr komisch aus –
so wie ... , so wie ... –
so wie auf dem Mond.

Philipp
Paula, alles klar – das war bestimmt jemand in einem Schutzanzug.

Paula
Also in einem Labor.
Eulalia – vielen Dank.

مجری:
واکنش فیلیپ، واکنشی عصبی است. پاولا آرام‌تر است– این صحنه را یک بار دیگر با دقت بیشتر گوش می‌کنیم.
فیلیپ بی‌صبرانه منتظر بازگشت اویلالیاست.

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Philipp
Auch das noch!

Wo bleibt denn Eulalia?
Es ist ja schon ganz dunkel.

مجری:
پاولا تاریک شدن هوا را لزوما پدیده‌ای منفی نمی‌داند، چون اویلالیا، مثل همه جغدها، قادر است در تاریکی نیز همه چیز را ببیند.

Paula
Macht doch nichts.
Eulalia kann trotzdem noch alles sehen.

مجری:
به محض آنکه اویلالیا باز می‌گردد، فیلیپ با لحنی نه چندان دوستانه از او می‌پرسد که آیا چیزی دیده است.

Philipp
Und? Hast du etwas gesehen?

مجری:
اویلالیا نمی‌تواند پاسخ روشنی به این پرسش بدهد، تنها پس از پرسش پاولاست که اویلالیا توضیح می‌دهد او در طبقه هفتم اندکی" LICHT"، یعنی نور دیده است.

Eulalia
Also, da oben, im 7. Stock, da war noch ein bisschen Licht.

مجری:
اما از آنجا که فیلیپ نمی‌تواند تصور دقیقی از گفته اویلالیا داشته باشد، با همان حالت عصبی پیشین از او می‌پرسد که معنی "اندکی نور" چیست.

Philipp
Was ist das denn – "ein bisschen Licht“?

مجری:
اما اویلالیا قادر نیست اطلاعات خود را دقیق‌تر بیان کند- به نظر اویلالیا این نور به شکلی اسرارآمیز بوده و نور بسیار اندکی بوده است. من حدس می‌زنم که منظور اویلالیا از نور اندک یک پرتو ضعیف نور بوده باشد.

Eulalia
Irgendwie geheimnisvoll, ganz wenig Licht.

مجری:
و تنها پس از پرسش پر شور پاولاست که اویلالیا سعی می‌کند فردی را که دیده است، توصیف کند:

این فرد شکل و شمایل عجیبی داشته است، اویلالیا برای توصیف او به دنبال تشبیهی می‌گردد و می‌گوید مثل کسی که به ماه رفته باشد.

Paula
Eulalia, was hast du gesehen?

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Eulalia
Einen Menschen. Der sah sehr komisch aus –
so wie ... , so wie ... – so wie auf dem Mond.

مجری:
و احتمالا منظور اویلالیا فضانوردان بوده است- و فیلیپ که خلق و خویش اینک بسیار بهتر شده است، تردیدی ندارد که منظور اویلالیا فردی بوده که SCHUTZANZUG یعنی لباس ایمنی بر تن داشته است و این لباسی است که کسانی که در آزمایشگاهی کار می‌کنند هم می‌پوشند.

Philipp
Paula, alles klar – das war bestimmt jemand in einem Schutzanzug.

Paula
Also in einem Labor.

مجری:
بنابراین فیلیپ و پاولا در تحقیقات خود پیشرفت خوبی داشته‌اند و حال مایل به دانستن این موضوع هستند که آیا اویلالیا موفق به کشف محل آزمایشگاه شده است و آیا پرتو لیزری از این محل می‌آید. از این رو آنها از اویلالیا می‌خواهند که بار دیگر به سمت طبقه هفتم پرواز کند و ببیند که چه چیز دیگری در آنجا روی می‌دهد. به این صحنه گوش کنید و ببیند که چه اتفاقی می‌افتد.

Szene 3: Vor dem Optikwerk

Paula
Eulalia, bitte:
Kannst du noch einmal da hoch fliegen?

Philipp
Du siehst doch so gut. Vielleicht kannst du jetzt noch mehr sehen.

Eulalia
Gut, noch **einmal**.

Philipp
Paula, da! Ein Laserstrahl.

Paula
Eulalia, Eulalia!
Ist dir etwas passiert?

مجری:
پاولا و فیلیپ برآنند تا از این توانایی اویلالیا که می‌تواند در تاریکی همه چیز را خیلی دقیق ببیند، برای تحقیق خود استفاده کنند.

Philipp
Du siehst doch so gut. Vielleicht kannst du jetzt noch mehr sehen.

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

مجری:
اما به ناگهان بار دیگر پرتوی لیزری مشاهده می‌شود و همزمان با آن فیلیپ و پاولا صدای فریاد و جیغ جغدی را می‌شنوند. و از این که ممکن است اتفاق بدی برای اویلالیا پیش آمده باشد، دچار ترس و نگرانی می‌شوند.

Philipp
Paula, da! Ein Laserstrahl.

Paula
Eulalia, Eulalia!
Ist dir etwas passiert?

مجری:
و از آنجا که پرتو لیزری چیز بسیار خطرناکی است، متاسفانه باید گفت که ترس و نگرانی آنها اصلا بی مورد نیست. و اگر پرتو لیزری به اویلالیا اصابت کرده باشد، می‌تواند به شدت او را مجروح کند یا حتی بکشد.
به هر حال، اینک زمان آن رسیده است که به موضوع دیگری فکر کنیم، چون نوبت به پروفسورمان رسیده است.

Paula
Und nun kommt – unser Professor.

Philipp
Radio D ...

Paula
... Gespräch über Sprache.

پروفسور:
بله، شنوندگان عزیز، بعد از این همه اتفاقات پرهیجان، من تنها با تلاش زیاد می‌توانم روی موضوع توضیح زبان آلمانی تمرکز کنم.

مجری:
پاولا به اویلالیا هم گفته بود که او باید روی مشاهدات خودش تمرکز کند.

پروفسور:
صحیح است. KONZENTRIEREN یعنی تمرکز کردن، فعلی است که به یک ضمیرانعکاسی احتیاج دارد. ما در برنامه امروز به این موضوع خواهیم پرداخت. به مثال مربوط به پاولا گوش کنید. آیا ضمیر انعکاسی را در این جمله متوجه می‌شوید؟

Sprecherin
Du musst dich konzentrieren.

Paula
Eulalia, du musst dich jetzt konzentrieren.

مجری:
ضمیر انعکاسی این جمله DICH است.

پروفسور:
بله، و DICH ضمیر انعکاسی دوم شخص مفرد است. حال به مثال دوم در همین رابطه توجه کنید.

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Sprecher
Du musst dich beeilen.

مجری:
و ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد MICH است.

Sprecherin
Ich freue mich.

پروفسور:
بله، ضمایر انعکاسی وابسته به فاعل جمله بوده، به گونه‌ای که ضمیر انعکاسی اول شخص مفرد ICH عبارت است از MICH و ضمیر دوم شخص مفرد یعنی DU، عبارت است از DICH.

Sprecherin
Ich freue mich.

Sprecher
Du musst dich beeilen.

مجری:
ضمایر انعکاسی همان شکل ضمایر شخصی را دارند، آیا این‌طور نیست، آقای پروفسور؟

پروفسور:
بله تقریبا همیشه. تنها در مورد سوم شخص، ضمیر انعکاسی همواره SICH است. شکل مصدری این افعال نیز همواره با ضمیر انعکاسی SICH می‌آید. و شما شنوندگان عزیز بهتر است که این دسته از افعال را همیشه همراه با ضمیر انعکاسی آنها فرا بگیرید.

Sprecher
sich beeilen
sich freuen
sich konzentrieren

مجری:
با سپاس از شما، آقای پروفسور.
و حال شما شنوندگان عزیز می‌توانید یک بار دیگر صحنه ای از برنامه امروز را بشنوید.

اویلالیا گزارش مشاهدات خود را می‌دهد.

Philipp
Und? Hast du etwas gesehen?

Eulalia
Also, da oben, im 7. Stock, da war noch ein bisschen Licht.

Philipp
Was ist das denn – "ein bisschen Licht“?

Eulalia
Irgendwie geheimnisvoll, ganz wenig Licht.

© Deutsche Welle

Deutsch lernen und unterrichten – Arbeitsmaterialien

Radio D – Teil 2

Paula
Eulalia, was hast du gesehen?

Eulalia
Einen Menschen. Der sah sehr komisch aus –
so wie ... , so wie ... –
so wie auf dem Mond.

Philipp
Paula, alles klar – das war bestimmt jemand in einem Schutzanzug.

Paula
Also in einem Labor.
Eulalia – vielen Dank.

مجری:
فیلیپ و پاولا دچار ترس و نگرانی می‌شوند.

Paula
Eulalia, bitte:
Kannst du noch einmal da hoch fliegen?

Philipp
Du siehst doch so gut. Vielleicht kannst du jetzt noch mehr sehen.

Eulalia
Gut, noch **einmal**.

Philipp
Paula, da! Ein Laserstrahl.

Paula
Eulalia, Eulalia!
Ist dir etwas passiert?

مجری:
به راستی چه به سر اویلالیا آمده است؟ آیا او از این پرواز زنده باز می‌گردد؟ این موضوعی است که شما شنودگان عزیز در برنامه آینده از آن مطلع خواهید شد.

Paula
Bis zum nächsten Mal, liebe Hörerinnen und Hörer.

Philipp
Und tschüs.

آنچه شنیدید سری دوم آموزش زبان آلمانی رادیو D بود، تهیه شده توسط انستیتو گوته و رادیو دویچه وله

Herrad Meese

© Deutsche Welle